

**خشنودی و ناخشنود خداوند** از ما: یعنی وقتی خدا از ما راضی خواهد بود که ما در مسیر رستگاری و خوشبختی خود گام برداریم؛ و آنگاه از ما ناخشنود خواهد بود که به خود ظلم کنیم و در مسیر هلاکت خود قدم گذاریم.

**پیشنهاد عهد با خدا:** اول: برای عهد بستن، بهترین زمان ها را انتخاب کنیم. دوم: عهد و پیمان خود را در زمان های معینی تکرار کنیم تا استحکام بیشتر پیدا کند و به فراموشی سپرده نشود.

**تدبر: مفاهیم آیه**

۱- (فتح-۱۰) عهد با خدا در مسیر قرب الهی- دریافت پاداش عظیم معلول عهد با خدا

۲- (آل عمران-۷۷) اشاره به نتایج شکستن عهدا با خدا و فروختن سوگندها (بی بهره بودن از نعمتهای اخروی، محروم شدن از گفت و گوی الهی، محروم شدن از نگاه الهی، محروم شدن از مغفرت الهی)- بی اعتنائی به عهدا با خدا، بی اعتنائی خداوند به انسان را در پی دارد.

۳- (بقره-۴۰) وفای به عهد با خداوند از سوی انسان، وفای به عهد از جانب خداوند را در پی دارد- اشاره به رابطه علی و معلولی بین وفای به عهد انسان با خداوند خداوند با انسان.

۳- **مراقبت:** باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفای بر عهد، رضایت خدا را در پی دارد و شکستن پیمان، شرمندگی در مقابل او را به دنبال می آورد؛ **عهدی** که ابتدا بسته می شود، مانند **نوزادی** است که باید از او مراقبت شود تا با عهدشکنی، آسیب نبیند. امام علی(ع) می فرماید: گذشت ایام، آفاتی در پی دارد و موجب از هم گسیختگی تصمیمها و کارها می شود.

در عهد خود با مراقب باشیم تا: ۱- کارهای دیگر، انسان را به خود مشغول نکند. ۲- این تصمیم خویش را فراموش نکنیم. ۳- عواملی را که سبب سستی در اجرای این تصمیم می شود، از سر راه برداریم.

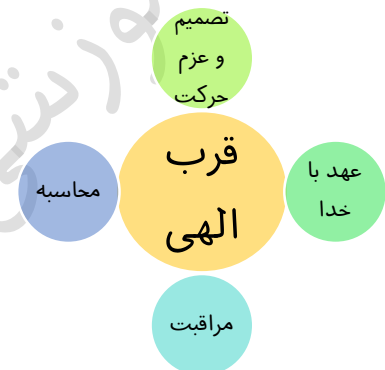
۴- **محاسبه و ارزیابی:** بعد از مراقبت، نوبت محاسبه است تا میزان موفقیت و وفاداری به عهد، به دست آید و عوامل موفقیت یا عدم موفقیت، شناخته شود.

**نتایج ارزیابی:** بعد از محاسبه اگر معلوم شود که در انجام عهد خود موفق بوده ایم، خوب است خدا را سپاس بگوییم و **شکرگزار** او باشیم؛ زیرا می دانیم که او بهترین پشتیبان ما در انجام پیمان هاست. اما اگر معلوم شود که **سستی** ورزیده ایم، خود را سرزنش کنیم و مورد **عتاب** قرار دهیم و از خداوند **طلب بخشش** کنیم و با تصمیم قوی تر، دوباره با خداوند عهد ببندیم و وارد عمل شویم.

پیامبر اکرم(ص) فرمود: «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا» (به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از اینکه به حساب شما برسند)

در این درس به اقدامات چهارگانه انسان در مسیر بندگی و قرب الهی و ثابت قدم ماندن در آن می پردازیم. در دروس قبل دانستیم سرنوشت ابدی انسانها براساس اعمال آنان در دنیا تعیین می شود از آنجا که هدف از خلقت انسان رسیدن به مقام قرب خداوند است پس در حقیقت، او مسیر و هدف اصلی زندگی ماست. هر کس این نکته را دریابد و زندگی خود را در مسیر این هدف قرار دهد، در دنیا زندگی لذت بخش و مطمئن و در آخرت رستگاری ابدی را به دست خواهد آورد. البته برای رسیدن به چنین هدف بزرگ و برتری، لازم است برنامه ریزی کنیم.

اقدامات لازم جهت قدم گذاشتن در مسیر الهی و ثابت قدم ماندن در آن عبارتند از:



۱- **تصمیم و عزم برای حرکت:** عزم به معنای اراده و تصمیم بر انجام کاری است. آدمی با عزم خویش، آنچه را که **انتخاب** کرده است، **عملی** می سازد. هر قدر عزم قوی تر باشد، رسیدن به هدف آسان تر است. **استواری** بر هدف، **شکیبایی** و **تحمل سختی ها** برای رسیدن به آن هدف، از **آثار عزم قوی** است. آنان که عزم ضعیفی دارند، در برابر تندباد حوادث، تاب نمی آورند و مشکلات راه، آنان را به عقب نشینی وادار می کند. اما آنان که عزم قوی دارند، سرنوشت را به دست حوادث نمی سپارند و با قدرت به سوی هدف قدم برمی دارند. **سفارش لقمان حکیم** به فرزندش در قرآن کریم:

«وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنَ الْأُمُورِ» (بر آنچه (در این مسیر) به تو می رسد صبر کن که این از عزم و اراده در کارهاست).

مفاهیم: اشاره به تصمیم و عزم برای حرکت در مسیر الهی، در برابر مشکلات باید صبر پیشه کرد، اشاره به آثار عزم، صبر نتیجه عزم برای حرکت است.

۲- **عهد بستن با خدا:** کسی که راه رستگاری را که همان قرب و نزدیک شدن به خداست، شناخته و می خواهد در این مسیر قدم بگذارد، با خدای خود پیمان می بندد که آنچه خداوند برای رسیدن به این هدف مشخص کرده است، یعنی واجبات الهی را، انجام دهد و خداوند را خشنود سازد؛ همچنین از انجام آنچه که ما را از این هدف دور می سازد، یعنی کارهای حرام، اجتناب کند. (ثمرات عهد با خدا)

حتی درک بهتری از آنها نیز به دست آمده است. پیامبر و اهل بیت اسوه های انسانیت هستند و انسانیت دیروز و امروز و فردا ندارد.

سخن امام حسین(ع) از پیامبر(ص) در مورد تقسیم روز به ۳ بخش بیانگر این است که برنامه ریزی و تقسیم زمان، درس و الگویی همیشگی است که از این حدیث به دست می آید.

✓ پیامبر یک انسان معصوم است؛ چگونه می توان ایشان را اسوه قرار داد و مثل او عمل کرد؟

ما او را اسوه کامل خود قرار می دهیم؛ چون می دانیم که هر کاری که انجام داده، درست بوده و مطابق دستور خداوند بوده است. اما اسوه قرار دادن ایشان به این معنا نیست که ما عین او باشیم و در همان حد عمل کنیم، بلکه بدین معناست که در حد توان از ایشان پیروی کنیم و خود را به راه و روش ایشان نزدیک تر کنیم.

امیرالمؤمنین درباره چگونگی پیروی از ایشان می فرماید:

« آگاه باش برای هر پیروی کننده ای، امام و پیشوایی است که باید از او تبعیت کند و از علم او کسب نور کند. هشیار باش، امام شما از دنیایش به دو لباس کهنه و از خوراکش به دو قرص نان کفایت کرده است. اما شما قطعاً توانایی این قناعت را ندارید؛ ولی با پرهیزکاری و کوشش (در راه خدا) و عفت و درستکاری مرا یاری کنید.»

مفاهیم: اشاره محاسبه و اهمیت آن در مسیر الهی، محاسبه در دنیا آسایش در آخرت را در پی دارد، اشاره به نتایج محاسبه.

زیرک ترین انسان از دیدگاه حضرت علی(ع): «کسی که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد.»

تفکر در احادیث:

۱- «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ وَقَفَّ عَلَى عَيْبِهِ وَ أَحَاطَ بِذُنُوبِهِ وَ اسْتَقَالَ الذُّنُوبَ وَ أَصْلَحَ الْعُيُوبَ»

مفاهیم: آگاه شدن بر عیبهای خویش و اصلاح آن- پی بردن به گناهان و جبران آن

۲- «تَمَرَّةُ الْمُحَاسِبَةِ صَلاَحُ النَّفْسِ»

مفاهیم: نتیجه محاسبه اصلاح خویش است.

۳- «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ سَعِدَ»

مفاهیم: نتیجه محاسبه خوشبختی و رستگاری است.

پیامبر و اهل بیت ایشان، برترین اسوه ها

برای حرکت در مسیر هدف، وجود اسوه و الگوهایی که راه را با موفقیت طی کرده و به مقصد رسیده اند، بسیار ضروری است. زیرا وجود این الگوها، اولاً به ما ثابت می کند که این راه موفقیت آمیز است؛ ثانیاً می توان از تجربه آنان استفاده نمود و مانند آنان عمل کرد و از همه مهم تر اینکه می توان از آنان کمک گرفت و با دنباله روی از آنان سریع تر به هدف رسید.

قرآن کریم پیامبر اکرم(ص) را بهترین الگو معرفی می کند: «رسول خدا برای شما نیکوترین اسوه است»

پیامبر نیز همواره از اهل بیت به عنوان انسان هایی برتر که مسیر زندگی را با موفقیت پیموده اند و پیروی از آنان موجب رستگاری و نجات انسان می شود، یاد کرده و ما را به الگو گرفتن از آنان دعوت کرده است.

✓ چگونه می شود انسانهای بزرگی را که حدود ۱۴۰۰ سال قبل زندگی کرده اند، اسوه قرار داد؟

اسوه بودن آن بزرگان مربوط به اموری که به طور طبیعی و با تحولات صنعتی تغییر می کنند، نیست. اسوه بودن در اموری است که همواره برای بشر خوب و با ارزش بود هاند. عدالت، گذشت، فداکاری، مهربانی، داشتن نظم و برنامه در زندگی و... از ارزش هایی است که همواره مورد احترام بشر بوده است و با گذشت زمان،